

## بازتاب مسائل جامعه در

# بازار کتاب

○ افسانه کمالی  
عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا

### چکیده:

بررسی آماری کتاب‌های منتشر شده در سال‌های ۷۶ تا ۷۹، نشان‌دهنده افزایش چشمگیر انتشار کتاب در موضوعات خاص زنان است. اما سهم زنان در تألیف این کتاب‌ها کمتر از مردان بوده است. در این میان سهم کتاب‌های ترجمه شده، بسیار بیشتر از کل کتاب‌های چاپ شده است و می‌تواند نشان‌دهنده تمایل کمتر مؤلفان و ناشران داخلی به بررسی مسایل خاص زنان باشد. کاهش سهم کتاب‌های منتشر شده درباره امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان، سهم بسیار بالای ناشران تهرانی در چاپ کتاب‌های ترجمه شده درباره زنان، بالا بودن سهم کتب تألیف شده در موضوعات احکام و مسایل دینی، خانواده، ادبیات و هنر و حقوق در مقایسه با کتاب‌های ترجمه شده در این حوزه‌ها از جمله نتایج دیگر این بررسی است.

برای پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی، با استفاده از داده‌های کرنامه نشر که توسط «خانه کتاب» تهیه شده است، در سال‌های مذکور عناوین کتاب‌های چاپ شده بررسی شد و کتاب‌های مربوط به زنان مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۱ نشان می‌دهد که در سال‌های ۷۶-۷۹ مجموعاً ۷۶۴۶۷ کتاب در کشور چاپ شده است. سال ۷۸ از این لحاظ بالاترین افزایش را نشان می‌دهد. کتاب‌های چاپ شده در زمینه‌های موضوعات خاص زنان افزایش بسیار چشمگیر و بالاتری را نسبت به کل موضوعات نشان می‌دهد. به ویژه سال ۷۷ به لحاظ افزایش کمی قابل ذکر است. اما به رغم افزایش تعداد کتاب‌های چاپ شده در موضوعات خاص زنان، در واقع سهم زنان از مجموع کتب منتشر شده داخل کشور در پایان دوره نسبت به سال آغازین آن بیش از ۶۷ درصد کاهش نشان می‌دهد. این نکته به خوبی پاسخ‌گوی سؤال محوری این نوشته است و نشان می‌دهد که بازار کتاب در توجه به نیازهای رو به افزایش زنان چندان توفیقی نداشته است. به رغم این واقعیت بزرگ، نمی‌توان اهمیت رشد کتاب‌های خاص زنان را نادیده گرفت؛ از بررسی ابعاد و جوانب مختلف آن چشم پوشید. تقریباً ۵ برابر شدن کتاب‌های مربوط به زنان در سال ۷۹ نسبت به سال ۷۶، خود موضوع قابل بررسی و عمیقی است که توجه به آن راه را برای پیشرفت‌های آینده می‌گشاید. در مجموع از ۸۲۵ عنوان کتاب چاپ

سال‌های ۷۶-۷۹ که مقارن با تغییرات سیاسی - اجتماعی وسیع در کشور بوده است، از یک منظر، دوره تغییرات گسترده در عرصه چاپ و نشر کتاب نیز قلمداد می‌شود. در این دوره گذشته از افزایش عناوین و شمارگان کتاب، از نظر تنوع موضوعی و میزان ترجمه و تألیف در محورهای گوناگون نیز تحولات زیادی دیده می‌شود. شاید بتوان این تغییرات را پاسخ بازار کتاب به نیازها، اقتضات و تحولات بیرونی جامعه ایران دانست.

جامعه‌ای که با رشد سریع تعداد دانش‌آموختگان دوره‌های عالی و افزایش مطالبات گروه‌های مختلف اجتماعی روبروست. زنان، به مثابه یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های اجتماعی، در سال‌های پس از انقلاب تحولات بی‌شماری را پشت سر گذاشته‌اند و خصوصاً افزایش تعداد باسوادان، بالا رفتن سهم زنان از مدارک دانشگاهی و گسترش حضور سیاسی و اقتصادی زنان در عرصه اجتماع؛ همگی گواه این تغییرات است. سؤال مهم و آزمونی جدی که بررسی آماری نشر کتاب در این سال‌ها باید پاسخ‌گوی آن باشد این است که آیا این تحولات جایگاه خاص خود را در بازار کتاب بازیافته‌اند و به عبارت دیگر آیا گسترش عرضه کتاب در کشور با تغییر در عرضه کتاب‌های منتشر شده در موضوعات خاص زنان همراه بوده است؟

سهم کتاب‌های منتشر شده در حوزه مطالعات انسانی و مطالعات فرهنگی زنان  
در مقایسه با سایر موضوعات رو به کاهش بوده است

شده مربوط به زنان در این دوره،

جدول ۱. تعداد و درصد افزایش نسبت به سال قبل کتب چاپ شده در تمام عناوین و موضوعات خاص زنان در سال‌های ۷۶-۷۹

سال	تمام موضوعات		موضوعات خاص زنان		سهم نسبی زنان از از کتب چاپ شده
	تعداد	درصد افزایش نسبت به سال قبل	تعداد	درصد افزایش نسبت به سال قبل	
۷۶	۱۵۲۱۷	۵/۸	۶۰	—	۳/۹
۷۷	۱۷۲۰۳	۱۲	۱۹۷	۲۲/۸	۱/۱
۷۸	۲۰۶۴۲	۲۰	۲۷۰	۳۷	۱/۳
۷۹	۲۳۳۰۵	۱۳	۳۰۸	۱۴	۱/۳

شماره ۳ این موضوع را دقیق‌تر نشان دهد.

۲۲۹ عنوان (۲۸/۹ درصد) را زنان و ۵۶۳ عنوان (۷۷/۱ درصد) را مردان تألیف کرده‌اند. (۴۳ عنوان نیز به صورت تألیف نیست بلکه تحت عناوینی نظیر گردآوری، تهیه و تنظیم و... تثبیت شده‌اند یا خبر مؤلف در آنها قید شده است.) جدول ۲، این مسئله را در سال‌های مختلف بررسی شده نمایش می‌دهد. در مجموع در این سال‌ها بیشتر از ۷۱ درصد کل کتاب‌های چاپ شده در مورد زنان را مردان و تنها حدود ۲۹ درصد را زنان به نگارش درآورده‌اند. اگرچه سال ۷۸ از این لحاظ اندکی متفاوت از دیگر سال‌هاست، اما این اختلاف آن چنان نیست که آزمون‌های آماری را معنی‌دار کند.

جدول شماره ۳. توزیع نسبی کتب چاپ شده مربوط به زنان  
برحسب وضعیت تألیف در سال‌های ۷۶-۷۹

وضعیت	تألیف	ترجمه	گردآوری و...
۷۶	۴۵/۸	۴۰/۷	۱۳/۵
۷۷	۶۱/۹	۳۴/۵	۴/۶
۷۸	۶۰/۴	۳۵/۲	۴/۴
۷۹	۵۶/۷	۳۹/۴	۳/۹
جمع (میانگین)	۵۸/۳	۳۶/۹	۴/۸

جدول ۲. توزیع نسبی کتب چاپ شده مربوط به زنان  
برحسب جنس مؤلف\* در سال‌های ۷۶-۷۹

سال	جنس مؤلف	مرد	زن
۷۶	۷۳/۲	۷۳/۲	۲۷/۸
۷۷	۷۲/۳	۷۲/۳	۲۷/۷
۷۸	۶۶/۹	۶۶/۹	۳۳/۱
۷۹	۷۳/۴	۷۳/۴	۲۶/۶
جمع	۷۱/۱	۷۱/۱	۲۸/۹

\* در مورد کتاب‌هایی که بیش از یک مؤلف دارد، نظر به مسئله دخالت و تأثیرگذاری زنان در مسایل خاص زنان، این‌گونه کتاب‌ها با مؤلف زن در نظر گرفته شده است.

سهم متوسط حدوداً ۳۷ درصدی کتاب‌های ترجمه شده در حوزه زنان با سهم متوسط کتاب‌های ترجمه شده از کل کتب چاپ شده در این دوره، یعنی ۲۳/۴ درصد، تفاوت بسیار زیادی دارد که آزمون‌های آماری خاص نیز آن را تأیید می‌کند. به عبارت دیگر، این که در موضوعات خاص زنان سهم کتب ترجمه شده بسیار بیشتر از کل کتاب‌های چاپ شده است، نشان می‌دهد مؤلفان داخلی تمایل کمتری به بررسی مسایل خاص زنان و نشر کتب در این حوزه دارند. اگرچه سهم متوسط ۸۱/۵ درصدی تهران از کتب چاپ شده، واقعیت تمرکز بخش عمده امکانات چاپ و نشر در این شهر را به خوبی نشان می‌دهد، اما اختلاف این سهم در حوزه زنان (یعنی ۷۶/۲ درصد) بررسی این موضوع را نیز قابل توجه می‌سازد.

جدول ۳. توزیع نسبی کتب منتشر شده در حوزه زنان برحسب محل چاپ  
در سال‌های ۷۶-۷۹

سال	محل چاپ	تهران	قم	سایر شهرستانها
۷۶	۹۰/۰	۹۰/۰	۸/۳	۱/۷
۷۷	۶۷/۳	۶۷/۳	۲۷/۰	۵/۷
۷۸	۷۹/۲	۷۹/۲	۱۴/۵	۶/۳
۷۹	۷۶/۵	۷۶/۵	۱۹/۲	۴/۳
جمع (میانگین)	۷۶/۲	۷۶/۲	۱۸/۸	۵/۰

اختلاف بسیار جدی در سهم نسبی زنان و مردان در تألیف کتب خاص زنان بیش از آن که به بی‌توجهی زنان به این موضوعات مربوط باشد، نشانگر وضعیت بازار کتاب، تمایلات خریداران و ترجیحات ناشران است و لذا می‌تواند دست‌مایه سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های جدی‌تری باشد. یکی دیگر از متغیرهایی که می‌تواند وضعیت چاپ و نشر کتاب در کشور را به تصویر بکشد، سهم نسبی کتب‌های ترجمه و تألیف شده از کل کتاب‌های منتشر شده است. جدول

## زنان به مثابه نیمی از اجتماع و به منزله حاملین تغییرات ساختاری اجتماعی باید حضور بیشتری در بازار روبه گسترش چاپ و نشر داشته باشند



در این جدول، به دلیل اهمیت شهر قم در چاپ کتب دینی و سهم این نوع کتب در حوزه خاص زنان، به طور مجزا از سایر شهرها مورد بررسی واقع شده است. اگرچه سهم ناشران سایر شهرستانها در چاپ کتب خاص مسایل زنان بسیار پایین است، اما به رغم ضعف مالی و فقدان سرمایه کافی همین سهم اندک نشان از توجه خاص ناشران شهرستانهای دیگر به مسایل زنان دارد. زیرا به طور متوسط سهم نسبی ناشران غیرتهرانی (شامل قم و سایر شهرستانها) از کلیه کتب چاپ شده در این دوره ۱۸/۵ درصد می باشد، در حالی که سهم این گروه در کتب خاص زنان حدود ۲۴ درصد است.

دسته بندی کتب چاپ شده در حوزه زنان بیش از هر مؤلفه دیگر، نشانگر توجه بازار چاپ و نشر کتاب به زنان و مسایل آنان است. باتوجه به اقتضات خاص مسایل زنان و خصوصاً ارتباط نزدیک کتب چاپ شده در این حوزه با مسایل ازدواج، خانواده و تربیت فرزند، کتب موردنظر در این دوره به گروه های خاصی دسته بندی شده اند که جدول ۵ حاکی از آن است.

معنی داری آماری رابطه بین دو متغیر بررسی شده نشان می دهد که سهم نسبی

موضوعات مختلف در سال های بررسی شده یکسان نیست و خصوصاً در موضوعات خاص اجتماعی - سیاسی و اقتصادی که انتظار می رود زنان همراه با افزایش حضور در اجتماع سهم بیشتری را به خود اختصاص دهند، روند معکوسی وجود دارد و در عوض مسایل خاص پزشکی، ادبیات و هنر، روان شناسی، حقوق و خصوصاً بیان احکام و مسایل دینی سهم بیشتری را به خود اختصاص داده اند. اگرچه افزایش سهم این موضوعات در جای خود امیدوارکننده و قابل توجه است، اما مسئله جدی کاهش سهم نسبی مسایل اجتماعی - سیاسی و اقتصادی در کتب چاپ شده در حوزه زنان است. می توان چنین برداشت کرد که بازار کتاب به رغم چاپ کتب بیشتری در مسایل زنان، به نوعی گزینش یا محافظه کاری دست می زند و بیشتر به کلیات می پردازد تا به مسایل خاص زنان که می تواند در حضور جدی تر آنان در اجتماع و مشارکت روزافزون آنان مؤثر واقع شود.

سایر روابطی که در این تحلیل مختصر بررسی و در جدول ۶ نمایش داده شده است، و در نوع خود جالب است. معنادار بودن رابطه بین دو متغیر جنس مؤلف و موضوع کتاب (باتوجه به داده های موجود) نشان می دهد که در موضوعات خاص پزشکی، ورزش، ادبیات و هنر، بهداشت و بارداری، حقوق و خصوصاً مسایل اجتماعی - سیاسی و اقتصادی سهم

جدول ۵. توزیع نسبی کتب چاپ شده در حوزه زنان برحسب موضوع در سال های ۷۶-۷۹

موضوع	سال	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	جمع
مسایل خاص پزشکی		۱۳/۳	۱۱/۷	۱۵/۶	۲۳/۷	۱۷/۵
بهداشت و بارداری		۱۰/۰	۱۵/۷	۱۸/۱	۳/۲	۱۱/۵
ازدواج، خانواده و همسر داری		۲۳/۳	۱۱/۲	۱۴/۸	۱۵/۶	۱۴/۹
ادبیات و هنر		۱/۷	۰/۵	۱/۵	۳/۲	۱/۹
روانشناسی		۲۱/۷	۹/۱	۱۲/۲	۱۵/۹	۱۳/۵
حقوق		۸/۳	۱/۰	۲/۲	۳/۲	۲/۸
شخصیت های علمی، تاریخی		—	۱۳/۲	۴/۴	۱۰/۴	۸/۴
ورزش		۳/۳	۱/۵	۲/۶	—	۱/۴
احکام و مسایل دینی		۱/۷	۱۷/۸	۲۰/۴	۱۶/۹	۱۷/۱
اجتماعی - سیاسی - اقتصادی		۱۶/۷	۱۸/۳	۸/۱	۷/۸	۱۱/۰

## در سال های اخیر به رغم افزایش نسبی تعداد کتاب های منتشر شده درباره زنان، سهم زنان در تألیف این گونه کتاب ها کمتر از مردان بوده است

ترجمه شده اند. در مقابل به ترتیب در حوزه روان شناسی، از تداوم، تمرکز و سرعت بیشتری برخوردار نشود و اقتضات

جدول ۶. روابط معنی دار بین متغیرهای بررسی شده در کتب چاپ شده در حوزه زنان

متغیر	متغیر	جنس مؤلف	وضعیت تألیف	محل نشر	موضوع
جنس مؤلف	—	—	—	—	—
وضعیت تألیف	*	*	—	—	—
محل نشر	*	*	*	—	—
موضوع	*	*	*	*	—

خاص زنان را مطمح نظر قرار ندهد، تکرار همان آموزه های بیرونی اجتماع، یعنی نابرابری زنان و مردان، است.

### پی نوشت ها:

۱. توجه به این نکته ضروری است که بخش عمده ای از کتاب هایی که می توان آنها را در حوزه زنان تلقی کرد، مربوط به سیره و زندگانی حضرت زهرا (ع) و زینب (س) است. به نظر می رسد گنجاندن این کتاب ها در کتب مربوط به زنان، تلقی نادرستی از وضعیت چاپ و نشر کتب در این حوزه به دست می دهد و نابرابری موجود را کمتر از آنچه که هست نمایان می کند. به علاوه توجه مؤلفان و ناشران به این موضوع خاص بیشتر ناشی از توجه به ساحت مقدس ائمه (ع) و اولیای کرام است تا توجه به زنان. لذا این نوع کتب در شمارش مذکور محسوب نشده اند.

۲. در این بررسی از آزمون آماری کای اسکور استفاده شده است.

ورزش و مسائل خاص پزشکی کتب ترجمه شده سهم بیشتری را به خود اختصاص داده اند. به علاوه تهران به ترتیب در چاپ کتب خاص پزشکی، روان شناسی و مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، قم در چاپ کتب احکام و مسائل دینی، و سایر شهرستان ها به ترتیب در چاپ کتب با موضوع بهداشت و بارداری، خانواده و همسر داری و شخصیت ها سهم بیشتری را به خود اختصاص داده اند.

میانگین نوبت چاپ کتب مربوط به زنان در کل سال های بررسی شده  $\frac{3}{9}$  و حداقل آن مربوط به سال ۷۷ (یعنی  $\frac{2}{18}$ ) و حداکثر آن مربوط به سال ۷۸ (یعنی  $\frac{4}{17}$ ) است. در مجموع از کل کتاب های چاپ شده در حوزه زنان  $\frac{61}{9}$  درصد چاپ اول و بقیه ( $\frac{38}{1}$  درصد) چاپ مجدد بوده اند، در حالی که در مورد کلیه کتاب های چاپ شده در بازار کتاب در سال های بررسی شده تنها در حدود ۵۵ درصد از کتاب ها برای اولین بار به چاپ رسیده اند.

البته این مسئله می تواند توجه بیشتر به چاپ کتاب در موضوعات خاص زنان را نشان دهد اما اگر این جهت گیری

نسبی زنان بیشتر از مردان است و در موضوعات احکام و مسایل دینی، شخصیت ها، روان شناسی و خانواده و همسر داری مردان بیش از زنان کتاب تألیف کرده اند.

اگرچه این رابطه می تواند این نتیجه گیری را به دنبال داشته باشد که زنان توان بیشتری را صرف مسائل خاص خود می کنند، اما معنی داری رابطه بین جنس و وضعیت تألیف نشان می دهد که در میان کتاب های موجود، سهم زنان از تألیف کتاب به زبان فارسی بسیار کمتر از مردان است ( $\frac{41}{5}$  درصد در مقابل  $\frac{67}{9}$  درصد) و این نکته ای است که تغییر آن همت نویسندگان زن را می طلبد. همچنین باتوجه به معنادار بودن آماری رابطه بین متغیرهای جنس مؤلف و محل چاپ کتاب نشان می دهد که اگرچه ناشران شهرستانی توجه خاصی به موضوعات زنان نشان می دهند، اما سهم زنان مؤلف در کتب چاپ شده اندک است، در حالی که ناشران تهرانی با چاپ  $\frac{90}{8}$  درصد کتب تألیفی زنان در مقابل سهم  $\frac{69}{6}$  درصدی کتاب های تألیفی مردان توجه بیشتری بر مؤلفان زن مینماید داشته اند. همچنین این جدول نشان می دهد که سهم ناشران تهرانی در چاپ کتاب های ترجمه شده در حوزه زنان بسیار نابرابر و تقریباً ۹۱ درصد از کل کتاب های ترجمه شده در این حوزه است.

در عین حال ناشران غیرتهرانی با اختصاص  $\frac{34}{5}$  درصد کتاب های تألیف شده به فارسی، همت بیشتری را در این جهت مینماید نموده اند.

از مباحث جالب توجه دیگر می توان به این موضوع اشاره کرد که سهم کتب تألیفی به ترتیب در موضوعات احکام و مسایل دینی، خانواده و همسر داری، ادبیات و هنر، حقوق، مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، شخصیت ها و خانواده و همسر داری بیش از کتبی است که به فارسی